

# کاشف

هفته نامه فرهنگ، خبری  
مدرسه دانشجوی قرآن و عترت  
دانشگاه تهران

شنبه  
۱ بهمن ۱۴۰۱  
۲۸ جمادی الثانی ۱۴۴۴  
شماره ۲۷۷

[kashef@quranetratschool.ir](mailto:kashef@quranetratschool.ir)

[www.QuranEtratSchool.ir](http://www.QuranEtratSchool.ir)

سال دوازدهم



## ویژه نامه اول قطب نما، آذرماه ۱۴۰۱

رهبرانقلاب خطاب به جوانان:

## از سنت های الهی در زندگی خود بهره مند شوید

حوادث تحولی تاریخ یا متضمن یک تجربه ی تاریخی است و یا متضمن یک سنت الهی است...  
تدبّر در قرآن ما را به خیلی از این حقایق میرساند؛ این چیزهایی که میتواند چراغ راه ما در این دوره ی زندگی مان قرار بگیرد... بخصوص شما جوانها باید به این دوره خیلی اهمّیت بدهید؛  
این دوره، دوره ی حسّاس و مهمّی است. از این سنت های الهی خیلی باید بهره ببرید.

بیانات رهبرانقلاب  
در دیدار مردم قم

۱۴۰۱/۱۰/۱۹



صاحب امتیاز، مدیر مسئول و سردبیر:

احمد رضا اخوت

هیأت تحریریه:

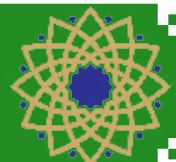
اعضای مدرسه دانشجوی قرآن و عترت



کانال اطلاع رسانی

مجمع مدارس دانشجوی قرآن و عترت

@QuranEtratSchool



## بیانات پنج‌شنبه شب‌های استاد احمد رضا اخوت (تجمع آذرماه ۱۴۰۱)

مقدمه

بیانات، سیر تحولات مدرسه قرآن و بررسی روند آن، می‌باشد. هم‌چنین مسائل روز و مناسبت‌ها نیز اغلب مورد نظر قرار گرفته‌اند.

خبر خوب این‌که سردبیری کاشف، بیانات استاد احمد رضا اخوت از مهرماه ۱۳۹۹ تا پایان آبان‌ماه ۱۴۰۱ (قریب به دو سال) را در قالب یک دوسال‌نامه به صورت کتابچه الکترونیکی جمع‌بندی و تهیه نموده است که به زودی منتشر و اطلاع‌رسانی خواهد شد.

و بنا داریم از این پس جمع‌بندی بیانات هر ماه را در ماه بعدی، در ویژه‌نامه‌ای با عنوان «قطب‌نما» تقدیم شما نماییم.

نشریه پیش‌رو، اولین شماره از ویژه‌نامه «قطب‌نما» می‌باشد که بیانات پنج‌شنبه شب‌های استاد اخوت در «آذرماه» را پوشش می‌دهد.

منتظر شماره‌های بعدی باشید!

خدا را شاکریم که توفیق حضور در جمعی مومنانه و قرآن‌محور را به ما داده است.

جلسات روزهای پنج‌شنبه از قدیم الایام، میثاق اصلی کلاس‌های مدرسه قرآن بوده است.

در این سال‌های اخیر، به برکت برخورداری از کتاب صحیفه فاطمیه که مجموعه‌ای از ادعیه حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد، این جلسات با محوریت پژوهش بر روی ادعیه حضرت علیها السلام عصر هر پنج‌شنبه برگزار می‌شده است.

پس از اتمام جلسات و اقامه نماز جماعت مغرب و عشاء، استاد اخوت تریبون را دست می‌گیرند و نکات، اخبار و اطلاعاتی را به گوش عموم مخاطبان می‌رسانند. این بیانات، ستونی را سابقاً در نشریات هفته‌نامه کاشف به خود اختصاص داده بود و بیانات سال‌های اخیر به صورت کتابچه‌های موضوعی تألیف شده‌اند.<sup>۱</sup>

مدتی این برنامه، متوقف شده بود که از مهرماه ۱۳۹۹ دوباره راه‌اندازی شد و تاکنون (دی‌ماه ۱۴۰۱) هر هفته برگزار می‌شود. موضوع اصلی این

۱. این کتابچه‌های موضوعی از طریق سایت انتشارات، در دسته سخنانی‌ها قابل دسترسی و خریداری

اند:

<http://quranahlebayt.com/>

## ۱۰ آذرماه ۱۴۰۱

چند نکته را خدمت بزرگواران مطرح می‌کنم.  
**نکته اول:**

در مورد بحث‌های صحیفه فاطمیه است. در مورد مباحثی که مربوط به دعا میشود، ما فاصله خیلی زیادی از نظر فکری و فرهنگی با دعاها داریم. به چند دلیل؛ یکی به دلیل شدت نزدیکی ما به دعا. در مورد قرآن به دلیل شدت دوری‌مان از قرآن دوریم اما در ادعیه به دلیل شدت نزدیکی‌مان از ادعیه دوریم. دلیلش این است که وقتی چیزی در دست و بال ما قرار می‌گیرد ولی عمق معانی آن‌ها مشخص نمی‌شود، تبدیل میشود به یک حالت وردگونه و ما احساس نمی‌کنیم در این دعا، منشور یک حیات طبیعه است. ما آن را به عنوان یک سند حساب نمی‌کنیم. فکر می‌کنیم مثلاً وردی است که گفته شده است. یا مثلاً دعایی است که مجموع خواسته‌هایی را داشته‌اند یا عرائضی است که بنده‌ای در پیشگاه خدا بیان کرده است. و این منجر می‌شود که استفاده ما از دعا به حداقل برسد.

اگر چه کار کنیم این مشکل حل می‌شود؟ باید جمعی (که ممکن است این جمع باشد یا ممکن است جمعی در یک جای دیگر باشد)، این دعاها را به شکل آن چیزی که هستند، مطالعه کنند و طبق آن چیزی که هستند، سعی کنند برداشت کنند و در زندگی‌شان به کار ببرند و نشان بدهند. بگویند که این مفاهیم از دعا

برداشت می‌شود. یعنی اگر دعایی از اسرار غیب پرده‌برداری می‌کند و یک سری حقایقی را در اختیار انسان قرار می‌دهد، آن را تا حدی که فهم افراد هست، بیان کنند، تبیین کنند، و کارکردش را در زندگی مطرح کنند، تا نگاه‌ها نسبت به دعاها، اصلاح شوند.

ما داریم کم کم وارد ایام فاطمیه می‌شویم. دوستان محترمی که به هر حال تعلق خاطری به صحیفه فاطمیه حضرت فاطمه علیها السلام دارند، میتوانند این دعاها را از آن منظری که هستند، تبیین کنند. تا حدی که می‌توانند. دیدوردگونه‌ای که به دعاهاست، را سعی کنند بشکنند.

حتی این کارت‌های ادعیه که آقای مکی زحمت می‌کشند، اگر این کارت‌ها بخواند دیدوردگونه را تقویت کند، به شدت خطرناک است. مثلاً وقتی دعاها ایام هفته را در اختیار افراد می‌گذاریم، باید جواری اعلام کنیم که آن‌ها روزهایشان را به وسیله این ادعیه نظم بدهند. نباید احساس کنند که چهار خط می‌خوانند که وردی را خوانده باشند! مثل تعقیبات نماز که یک چیزی را می‌خوانند که ثوابی برده باشند، بلکه باید بدانند که این دعای ایام هفته، مربوط به منظم کردن روزهای هفته است.

اگر در حوزه دعا، بخش عرفی‌گرایی و سطحی‌گرایی مردم به دعا را تقویت کنیم، اثرات عکس دارد و افراد از دعا دل‌زده می‌شوند و این‌طور نیست که مردم به دعا رغبت بیشتری

پیدا بکنند. شما باید اثر علمی بودن یک دعا را بزرگ کنید. این دعا به هر کسی داده می‌شود، به عنوان یک نسخه علمی داده شود، نه به عنوان دعایی که در ذهن او باشد. این‌که این را چطور می‌دهید و چطور القا می‌کنید، من نمی‌دانیم، خودتان می‌دانید. به هر حال بعضی چیزها در تبلیغاتی که انسان می‌کند، به عهده خود اوست.

مثلاً اگر من باشم و بخوام کارت‌های دعای هفته را پخش کنم، می‌گویم حواست باشد این دعا فقط ورد و ذکر نیست، این دعا خاصیتش این است که موضوعات اصلی زندگی‌تو را نشان می‌دهد و به روزهای هفته عنوان می‌دهد. البته به این معنا نیست که روز شنبه برای یک عنوان خاص باشد فقط. ما اگر بعضی چیزها را خوب بیان نکنیم، بعداً یک جور اشتباه در ذهن مردم می‌رود و کسی که می‌خواهد آن را اصلاح کند باید تمام آن ذهنیت‌ها را یک بار پاک کرده و دو مرتبه نصب کند! در این حوزه‌ها باید مراقب باشیم که اشتباهی به مردم چیزی را یاد ندهیم. همین کم را هم که یاد می‌دهیم، خیلی خوب است.

پس نکته اول این بود که ان‌شاءالله این کارت‌ها که داده می‌شود و این تبلیغ‌ها که گفته می‌شود و در همین سطح دعا خواندن ادعیه صحیفه فاطمیه که تبلیغ می‌شود، به این عنوان گفته شود که متن علمی فاخری است و حقایقی در



آن نهفته است.

### نکته دوم:

ما مطلبی را قبلاً خدمت بزرگواران گفته بودیم. گفته بودیم که دانشگاه‌ها فضایشان الآن خالی است. در دانشگاه تهران که من می‌دانم، تقریباً هیچ گروهی، هیچ فعالیتی ندارد. غیر از اینکه نماز جماعتی برپا می‌شود و یک سری افراد بعد از نماز صحبت‌هایی می‌کنند، که آن هم تبلیغ خاصی ندارد. تقریباً دانشگاه‌ها یک دست در سکوت هستند و البته هجمه تبلیغات و هجمه رسانه‌های خارجی به صورت شبکه‌های مجازی وجود دارد. بعضی از مدارس تخصصی و دوستان جدی گرفتند و فعالیت‌هایشان را در دانشگاه شروع کردند. کارهای خوبی شد. آقای مختاری در خوابگاه‌ها کلاس گذاشتند. کارهای بزرگی انجام شد. اما کارهایی که انجام می‌شود، بخش تبلیغاتش خیلی نارساست. وقتی که دانشگاه، فضایش انقدر باز است و هیچ صدایی در آن نیست، خیلی محل خوبی است که بتوانیم حقایق قرآنی را در آن توسعه بدهیم. بگوییم الآن چشم‌ها می‌بیند، الحمدلله شرایط هم خوب است، جو قبلی فروکش کرده است، موقعیت خوبی است. بالاخص آذرماه و بعد از آن دی‌ماه که ایام امتحانات است، موسم خوبی است برای تبلیغات کلاس‌ها و کارها.

الحمدلله ساختارهای تبلیغاتی خیلی راحت است. پوستر را می‌دهید آقای پرورده و چاپ می‌شود. این‌طور نیست که شما بخواهید خیلی زحمت بکشید. تمام ساختارهای آماده است. فقط یک مقداری دشمن را باید جدی گرفت. دیگر همه چیز را واگذار کردن به خدا، هم خوب نیست! به هر حال ما هم باید نقشی داشته باشیم در این مبارزه. دشمن به شدت روی آدم‌ها کار می‌کند و از یک نفر هم نمی‌گذرد. تک تک را شکار می‌کند. بعد هم فکر را منحرف می‌کند. یعنی با فکر کار دارد. برای تک تک فکرها هم سرمایه‌گذاری می‌کند. حسابی هم پول خرج می‌کند! کار ما فقط شده است عقب‌نشینی کردن! از ارزش‌ها، از خیلی چیزها... من نمی‌گویم که کسی غصه بخورد و ناراحت بشود ولی بدون غصه و ناراحتی و دغدغه، الآن می‌شود کار کرد. الآن موقعیت کار کردن است.

من پیشنهاد کردم که نشریه کاشف بشود نشریه هفتگی یا ماهانه مدرسه و در فضاهای دانشگاهی پخش شود. می‌شود این کارها را کرد. افرادی که می‌توانند مطلب بدهند، بدهند. با اینکه مدرسه دارد کارهای خیلی بزرگ و

تخصصی‌ای انجام می‌دهد ولی به نظر می‌رسد که حجم کارهایی که می‌شود انجام شود، یک مقدار بیشتر از این حد است. حداقلش این است که آن کارهایی که می‌کند را با یک بیان بهتر و تبلیغات بهتری می‌تواند بیان کند. به هر حال کارها که دارد انجام می‌شود، اینها خبررسانی شود تا بدانند که یک عده آدم هنوز زنده هستند. همه بی‌دین نشده‌اند! القای بیرونی در سطح جامعه این است که اغلب مردم دینشان را دارند از دست می‌دهند. اغلب دارند بی‌نماز می‌شوند. من و شما باید برخلاف آن القای بیرونی، چیزی را که هست را حداقل بیان کنیم. نمی‌خواهد بزرگ‌نمایی کنیم. به هر حال یک سری کارهایی دارد انجام می‌شود. تبلیغ آن‌ها خورده شود در جاهای مختلف. در حوزه تبلیغات، علم‌ها بلند شود. به ویژه اینکه برنامه‌های ایام فاطمیه کم کم شروع می‌شود و موقعیت خوبی است. محور این ماجراها، بحث زن هست و الگوی اصلی زن در همه عالم حضرت صدیقه طاهره علیها السلام است و روی این موضوعات می‌شود کار کرد. خیلی جاها هستند که حاضرند بیل‌بوردشان را در اختیار بگذارند اما کسی نیست که متن در بیاورد از صحیفه حضرت فاطمه علیها السلام! کسی نیست که متن کوتاه بنویسد. الآن همه عرصه‌ها تقریباً خالی است و همه منتظرند که یکی کاری انجام بدهد. اینکه آن کس کیست، الله اعلم! به هر حال الآن فرصت خوبی است که دوستان بتوانند فعالیت کنند. هر چند در این یکی-دو ماه در مدرسه قرآن خیلی کار انجام شده است. الآن بحث خوابگاه‌ها را پوشش داده است. در دانشگاه‌های مختلف ارتباط گرفته است. منتها حرف من این است که همین را علمش کنید، همین را بزرگش کنید. کاری را که می‌خواهید بکنید، تبلیغش را بزنید. نگویید این فقط مربوط به جریان خاص است. کاری کنید که جریانات دینی در دانشگاه بروز و ظهور داشته باشد و بدانند که هست.

### نکته سوم:

دوستان مدرسه سفیران قرآن پیشنهاد کردند که نشریه کاشف را به مناسبت روز دانشجو، ببرند روی سوره مبارکه محمد علیها السلام و متن‌هایی نوشته شود که به درد دانشجو بخورد. هر کسی که می‌تواند این کار را بکند و متن می‌تواند بنویسد، متناسب با ذائقه دانشجو و سوره محمد علیها السلام، متن بنویسد. ممکن است بعضی از شما یک یا دو ساعت بنشینید و متن خوبی بنویسید. به هر حال متنی که از سوره درمی‌آید، می‌تواند خیلی به جان آدم‌ها بنشیند، اگر علمی باشد.

### نکته آخر:

هفته بعد، فاطمیه اول است. در این ایام می‌توانیم برنامه داشته باشیم، می‌توانیم هم برنامه‌های خودمان را ادامه دهیم، یعنی جلسات چهارشنبه و پنج‌شنبه را به همان ترتیب قبل جلو ببریم. هنوز تصمیم‌گیری نکرده‌ایم که به چه صورت باشد. بد نیست نظراتتان را در این زمینه بدهید. چون بعضی وقت‌ها که مراسم می‌گذاریم، رشته کلام از دست می‌رود. بهتر این است که ما همان کار خودمان را که می‌کنیم، به عنوان مراسم باشد. چون به هر حال روی چهارشنبه و پنج‌شنبه می‌افتد و فقط یک جمعه برایمان می‌ماند. اگر برنامه نگذاشتیم به این دلیل بوده است که طرح بحثمان به هم نخورد.

می‌شود برای برنامه‌های دیگر فکر کرد. اینکه چه برنامه‌ای می‌شود داشت. صبح پنج‌شنبه یا هر وقت دیگر، زمان‌هایی است که میشود راجع به آن فکر کرد. خوب است که برنامه‌هایی که به صورت مناسبتی است، مثل همین کاری که الآن زحمت کشیدند و هدیه آوردند، یا مثل آن کاری که دیشب انجام شد برای هدیه، به صورت خودجوش باشد. وقتی این حالت خودجوش باشد، صفای دیگری پیدا می‌کند.

به نظرم جلسات چهارشنبه (هیئت قرآن و عترت علیهم السلام) و پنج‌شنبه (پژوهش در ادعیه صحیفه فاطمیه) به روال خودشان باشند و اگر کسی خواست برنامه ویژه‌ای بگذارد، برای صبح پنج‌شنبه بگذارد.

سوال: چطور ادعیه صحیفه فاطمیه را در کلاس‌های قرآنی بیاوریم؟

پاسخ: کلا دعاهای حضرت زهرا علیها السلام بالاخص دعاهای ایامشان با مضامین سوره‌ها مرتبط است. یکی از کارهایی که همه مریبان قرآن می‌توانند بکنند، این است که هر سوره‌ای را که می‌خوانند، ببینند با کدام یک از دعاهای روزها انطباق دارد و آن دعا را مطرح کنند. اینکه یک مربی وقتی کتابی را درس می‌دهد، حتماً دعای ایام هفته و تعقیبات را نگاه کند و بخش‌هایی از آن را برای شاگردان مطرح کند، خیلی مهم است. این قرین بودن دعا و قرآن می‌تواند خیلی در روحیه افراد اثر بگذارد. چون دعا، نفوذ تدبیر در قرآن را در قلب‌ها خیلی بیشتر می‌کند. مثل این است که من مقدمات تدبیر درس می‌دهم و نگاه می‌کنم به سوره‌ها که هر سوره با کدام دعای روز مرتبط است و بیشتر ارتباط دارد و ربط می‌دهم، بقیه کلاس‌ها هم همین‌طور. یعنی به بهانه تدبیر در سوره‌ها، دعاها هم باز بشوند.

بعضی از دعاها که کاملا با سوره‌ها ارتباط دارند. مثلا سوره‌های معوذتین را که می‌خوانید، دعای حریق یا دعای کامل، خیلی ارتباط دارد. کم کم همه مریبان قرآن در برنامه‌هایشان مطرح کردن دعا را قرار بدهند. فردی که از یک دوره تدبیر بیرون می‌آید، باید بتواند لایه‌ای از قرآن را با دعا ارتباط داده باشد. این منجر می‌شود که آن اتفاقی که من می‌گویم، اینکه دعا حالت ورد پیدا میکند را از دست بدهد و افراد احساس کنند که این دعا یک متن برگرفته شده از قرآن است و یک شکل خاص است که خیلی هم علمی است. این می‌تواند خیلی کمک کند.

سوال: این که برای هر کتاب یکی از ادعیه را معرفی کرده بودند، با این چیزی که شما می‌فرمایید متفاوت است. این بیشتر است؟  
پاسخ: نه، همان است. ممکن است نتوانند با آن ارتباط بدهند. من التزام را نمی‌گویم، التزامش می‌شود همان برنامه. من بحث ارتباط دهی را می‌گویم. بحث التزام این است که مثلا با کتاب مقدمات تدبیر، نماز حفظ و دعای حرز خوانده شود.

من می‌گویم شما سوره را که می‌گویید، می‌بینید یک قسمت از سوره، به بخشی از تعقیب فلان نماز مرتبط است و آن را مطرح کنید در کلاس. ممکن است کسی بگوید من نمی‌دانم این را. باید بخوانید سوره و دعا را، اگر ارتباط دیدید، مطرح کنید. افراد وقتی ارتباط را ببینند، ذهن قرین پیدا می‌کند و هم دعا تقویت می‌شود و هم قرآن. کم کم انس پیدا می‌شود با دعا و با قرآن.

سوال: با این کار، از نگاه تدبیری استفاده می‌کنیم تا نگاه قشری برداشته شود و ارتباط با دعا علمی شود.

پاسخ: بله. اگر ارتباط با دعا علمی شود، چند اتفاق مهم می‌افتد:

اتفاق اول اینکه شما می‌توانید به شدت از دعا برای تدبیر استفاده کنید. یعنی خیلی از مطالبی که در تدبیر افراد متوجه نمی‌شوند، با دعا به آنها منتقل می‌شود.

دوم اینکه دعا جایگاه خودش را پیدا می‌کند و وقتی جایگاه خودش را پیدا کرد، قوت پیدا می‌کند، اثر پیدا می‌کند. دعاهایی که ما می‌خوانیم خیلی اثری ندارد. مثلا ما دعای باران می‌خوانیم اما فایده‌ای ندارد و باران نمی‌آید یا مثلا دعای رفع بلا می‌خوانیم. نه اینکه بگویم فایده‌ای ندارد ولی قوت هم ندارد. دعا وقتی قوت پیدا می‌کند که محتوا و مضمونش متبادر شود در ذهن مخاطب. در واقع محتوای

دعاست که اثر دارد. البته بعضی می‌گویند خود پوسته و ظاهر دعا هم اثر دارد. شکی در آن نیست، می‌خواهیم بگوییم که اثر ندارد. ولی یک موقع شما با هجمه‌هایی مواجه هستید که آن هجمه‌ها خیلی غلبه دارند. شما حتما باید علاوه بر ظاهر دعا، به محتوای آن هم متوسل شوید. الآن شرایط این‌طور است. غلبه شرایط و هجمه‌هایی که وجود دارد، انقدر زیاد است که ظاهر دعا زورش آنقدر نمی‌رسد. نه اینکه دعا اشکال داشته باشد. نه! ولی خواننده دعا با ظاهر آن نمی‌تواند کاری انجام بدهد. قدرت ندارد. مثل اینکه به وزنه ۲۰۰ کیلویی را یک نفر بخواهد بلند کند که توانش بیشتر از بلند کردن وزنه ۲۰ کیلویی نیست! کسی انکار نمی‌کند که توان شما تا بلند کردن ۲۰ کیلو هست، ولی خب الان وزنه ۲۰۰ کیلویی است و نمی‌توانید آن را جابه‌جا کنید. مضامین دعا منجر می‌شود که این توان ۲۰ کیلویی، به تدریج بیشتر و بیشتر شود. باید تعداد افرادی که می‌خوانند بیشتر شود تا بتوانند یک وزنه ۲۰۰ کیلویی را جابه‌جا کنند. یعنی معنا پیدا می‌کند، به این صورت که قدرت فرد در دعا خواندن تقویت پیدا کند. چون دعا را دو عامل تقویت می‌کند؛ یکی تکرار دعا، مثلا می‌گویند در زیارت عاشورا ۱۰۰ بار لعن و سلام را بگویند، این تکرار خودش قوت می‌دهد و در دعا مرسوم است. اصلا تعداد مربوط به قوت گرفتن است. دیگری هم مضمون و محتوای دعاست. مثلا شما ۱۰۰ لعن و سلام را با تفکر بخوانید تا قدرت فکری فرد بالا برود. فرد می‌تواند یک بار بخواند و قدرتش از ۱۰۰ بار بیشتر باشد. بستگی دارد به اینکه به مضمون توجه بکنند یا نه. ما در دعاها باید این کار را بکنیم.

این را هم بگویم که با توجه به هجمه‌هایی که الآن وجود دارد، اگر از سلاح دعا استفاده نشود، تلفات خیلی زیاد است. تلفات انسانی، تلفات گمراهی، همه جور تلفاتی. ما در بستری قرار گرفته‌ایم که به نوعی چاره‌ای جز دعا نداریم. یعنی دعا را به عنوان یک ابزار مسلم باید رویش فکر کنیم. از آن طرف هم زورشان زیاد است و به قشر و لایه رویی دعا نمی‌شود اکتفا کرد. زور قشر، به آن هجمه نمی‌رسد. ما چاره‌ای نداریم مگر اینکه از طریق ارتقای محتوا، قدرتمان را بالا ببریم. مسیری که پیش روی ماست، بعضی اوقات دل‌بخوایی است و بعضی اوقات اضطراب است.

سوال: پس جلسه شرح دعای خصله را بگذارید. پاسخ: فقط دعای خصله<sup>۱</sup> نیست. همین دعاها ایام صحیفه فاطمیه هم هر کدام حرز

خاص خودشان را دارند. هم چنین دعای حریق. همه دعاها در یک سطحی حرز هستند و قدرت دارند. منتها چون به مضامینشان پرداخته نمیشود، حرزشان نمود ندارد.

اصلاح رویکرد ما به دعا، در وهله اول خیلی اهمیت دارد. از همین جا ارتقاء شروع می‌شود. وگرنه همه در چرخه‌ای می‌افتند که چیزی را یاد بگیرند تا بر دشمن غلبه کنند، بدون آن محتواسازی که باید در درون خودشان اتفاق بیفتد.

سوال: برای فاطمیه باید چه کار کنیم؟  
پاسخ: دعاها را فقط پخش و توزیع نکنید بلکه دعاها را تبیین کنید به عنوان یک متن علمی. دعا را به شکل ورد پخش نکنید. ۵۰ تا دعا پخش کنید ولی برای کسانی که می‌دانند دعا برای چه کاری است. نگاه نکنید که آقای مکی از هر کدام دو هزار تا چاپ کرده است! شمایی که کارت دستتان می‌رسد، فکر کنید پنج تا کارت دارید و باید به پنج نفری بدهید که آن پنج نفر دقیقا می‌دانند باید با دعا چه کار کنند. اگر این کار را نکنید، این حالت قشری‌گرایی به دعا را تقویت کرده‌اید. تکثیر دعا بدون بیان فلسفه‌اش، تقویت قشری‌گرایی و ظاهرگرایی است. مواظب باشید که مدرسه دانشجویی قرآن و عترت<sup>ع</sup> در این ماجرای قشری‌گرایی نیافتد.

راهش این است که هر کس ۵۰ تا کارت دعا پخش کنند، ولی آنجایی پخش کنند که می‌توانند تبیین کنند. آنجایی که می‌توانند راجع به دعا حرف بزنند، اثر دعا را بگویند و افراد را به مضمون دعا دلالت می‌دهند، دعا را یک اثر علمی معرفی می‌کنند. گتره‌ای و همین‌طوری و در این مسجد بذاریم روی مهرهایش و... این کارها را نکنید! مثل صحیفه فاطمیه‌ای که همین‌طوری این ور و آن ور می‌گذارید، این دعاها را نگذارید. این مدل پخش کردن اثر دعا را کم می‌کند و افراد را دور می‌کند.

سوال: این کار که حرزهای حضرت زهرا<sup>ع</sup> را بین نیروهای امنیتی پخش کردیم، آیا اشتباه است؟

پاسخ: حرز اشکالی ندارد. چون می‌گویید که حرز است.

سوال: پیشنهاد در مورد ساخت نم‌های چند دقیقه‌ای به منظور استفاده نیروهای امنیتی در وقت‌های خالی‌شان که سر چهارراه هستند و... چطور است؟

پاسخ: همه کارهای خوب را می‌شود انجام داد، البته کننده و پیگیری کننده‌اش اگر باشد. البته نیروی امنیتی بی‌کار نیست در آن وضعیت و

نباید تمرکزش به هم بخورد! این نشان می‌دهد که شما همه کارهایتان را انجام داده‌اید و فقط همین یک کار مانده است! خیلی جای تشکر دارد که تمام کارهایی که به عهده شما بوده است به خوبی انجام شده است و فقط همین کار مانده است.

ما اگر از همان مسیرهایی که باید کار کنیم، کار کنیم، حتماً به این چیزها هم می‌رسیم به طور طبیعی. به نظرم آن چیزی که خیلی مهم است و باید در مدرسه اتفاق بیافتد اطلاع‌رسانی کارهایی است که افراد دارند انجام می‌دهند. این کار، حالت تبلیغاتی که من می‌گویم را تقویت می‌کند، مضافاً این که تبلیغات رویش باید به بیرون مجموعه باشد. تبلیغاتی که ما می‌کنیم، نوعاً درون مجموعه‌ای است. مثلاً کاشف را هم که می‌نویسیم، جوری می‌نویسیم که فقط افرادی که با ادبیات مدرسه آشنا هستند، می‌خوانند. همین کاشف را خیلی راحت می‌شود برای خارج از مدرسه نوشت. شما به این کار نزدیکتر هستید تا به نیروهای امنیتی! شما به دانشگاه نزدیکتر هستید تا نیروهای امنیتی! این کار را که بکنید، قدرت شما برای کارهای دیگر هم اضافه می‌شود. اصلاً یکی از مهم‌ترین کارهایی که ما می‌توانیم بکنیم، این است که خیلی کارها را نکنیم تا خیلی کارها را بتوانیم بکنیم. ما یک گروه دانشجویی هستیم، ولی بروزاتمان دانشجویی نیست. یک برگه مطلب در این مدت به دانشجویان ندادیم. اینها خیلی سنگین است. البته مقصرش خود ما هستیم. خود من! دانشجویها الآن مثل یک زمین خشک نیازمند به آب هستند. من الآن که این را مطرح می‌کنم، هر کسی فکر کند که چه کاری می‌تواند برای محیط دانشگاه بکند.

سوال: در مورد فعالیت برای اساتیدی که تفکر انقلابی ندارند، چه می‌شود کرد؟

پاسخ: آن‌هایی که این‌طور هستند به سمت شما جذب نمی‌شوند. ذهن شما باید برود جایی که می‌تواند کار کند. نباید برود جایی که نمی‌تواند کاری کند. من می‌گویم آن کاری که می‌توانیم بکنیم را بکنیم، آن کاری که دورتر است نسبت به ما، خودش انجام می‌شود.

کاری که شما می‌توانید انجام بدهید، رفتن در خوابگاه است. خیلی خوب است. کلاس گذاشتن در خوابگاه خیلی خوب است. تبلیغات در فضای دانشگاه خیلی خوب است. تبلیغات کاری ندارد که! یک پوستر است و می‌شود آن را چسباند. اگر کسی می‌خواهد یک پوستر بچسباند باید یک دور بزند در دانشگاه، نیازسنجی بکند، ببیند

این دانشجو نسبت به چه چیزی حساس است و چه جوری جذب می‌شود. دانشجوی عصبانی را نباید عصبانی‌تر کرد. من بعضی وقت‌ها خیلی خوشحال می‌شوم از اینکه خیلی‌ها کار انجام نمی‌دهند! الآن در این دوره و زمانه از کار انجام نشدن‌ها من بیشتر از کار انجام شدن خوشحال می‌شوم! یعنی می‌گویم چه عنایت و الطاف خفیه‌ای خدا کرده است که بعضی‌ها را خاموش کرده است. چون اگر آنها روشن شوند و شروع کنند به فعالیت کردن، آدم عصبانی را عصبانی‌تر می‌کنند.

نمی‌شود یک نفر اصلاً دانشگاه را ندیده باشد و بخواهد تبلیغات کند در آن. الآن مثل آتش و بنزین است. یکهو بنزین را می‌ریزید روی آتشی! یکهو ایجاد تنش می‌کند.

شما که می‌خواهید پوستر بنزید، باید به اندازه یک اطلاعات عملیات تجربه داشته باشید و ببینید فضا را. نمی‌شود پوستر را در خانه بنزید و دانشجو را ندیده باشید. این دانشجویی که الآن می‌بینید با ماه قبلش و با دو ماه قبلش خیلی فرق کرده و فاصله پیدا کرده است. باید با شناخت و بصیرت باشد. باید با تجربه باشد. پوستر را که می‌زنید به یکی نشان بدهید و ببینید چه واکنشی نشان می‌دهد. این حرف‌هایی که من در مورد تبلیغ کردن می‌زنم، این مسائل هم ضمیمه‌اش هست.

اطلاع‌رسانی‌ها ممکن است در یک صفحه باشد و بدون هیچ جذابیتی. مثلاً بنویسید که کلاس ما در فلان جا تشکیل می‌شود، هر کسی خواست بیاید. این‌ها اشکالی ندارد. ولی اگر تبلیغات می‌کنید و مطلب می‌نویسید (مثل همین نشریه کاشف که می‌خواهید در مورد سوره محمد ص مطلب بنویسید)، اگر مطلبتان را طوری نوشتید که مخاطب برداشت کرد که او را کافر خواندید، او را عصبانی می‌کنید، یا اگر راجع به ارتداد متن بنویسید و طرف احساس کند که دارید او را مرتد خطاب می‌کنید، کارتان اثر عکس دارد!

اگر می‌خواهید متن بنویسید، حواستان به این حساسیت‌ها باشد. همین طوری نمی‌شود کار کرد الآن! تبعاتش خیلی بیشتر است. در واقع ما در زمانه‌ای هستیم که وقتی دچار فتنه می‌شویم، تبعات کارها به قیمت جان آدم‌هاست. یکهو می‌زند و چند نفر کشته می‌شوند! این جوری نیست که بگوییم فوقش یک شلوغی پیش می‌آید و چیزی نیست!

نهایتاً این که شما بین خوف و رجاء هستید. می‌خواهید بنویسید، خیلی کار خوبی می‌کنید و باید با دقت بنویسید. می‌توانید بنویسید،

می‌توانید دانشگاه را مورد هدف قرار بدهید و این در توانتان هست.

من مثالی دارم که همیشه این مثال را می‌زنم. من بچه‌ها را برده بودم اردوی قم. دو تا اتوبوس بودیم. رسیدیم به چراغ قرمز، راننده گفت از کدام طرف برویم؟ من گفتم از آن طرف. چراغ قرمز را رد کرد و رفت! پلیس که او را گرفت، گفت این گفت! گفتم من که نگفتم چراغ قرمز را رد کن! گفتم ما باید از آن طرف برویم!

چراغ قرمز، چراغ قرمز است و همیشه قرمز است! شما می‌گویید خودتان گفتید که بیایم در دانشگاه، بله ولی در دانشگاه آمدن، یک چراغ قرمزهایی دارد که همیشه این چراغ قرمزها بوده است، مثلاً «کَلِمَ النَّاسِ بِقَدْرِ عَقُولِهِمْ». هیچ وقت هم این‌ها نقض نشده است. این‌ها اگر نقض شود، بعضی اوقات تلفات جانی دارد. ما می‌گوییم که حرکتتان را برید سمت دانشگاه،

ولی نمی‌گوییم چراغ قرمزها را نادیده بگیرید! اگر نمی‌توانید بررسی کنید و اگر نمی‌توانید مخاطبتان را بشناسید و نمی‌دانید که مخاطب شما کیست، متن ننویسید! شما را به خدا قسم می‌دهیم که ننویسید! به شدت پرهیز می‌دهیم از نوشتن و هر گونه کاری، چون تبعات دارد.

من نمی‌گویم که شما نمی‌توانید بنویسید. اتفاقاً می‌توانید ولی باید با بصیرت باشد. باید درک کنید موقعیت را و متن را متناسب با آن بنویسید، با لطافت. مثل دوستان مدرسه هنر که یک گروهی دارند به نام انتصار. اینها شعر می‌گویند. در این ایام شعرهای خیلی جالبی گفته‌اند.

شما باید کار کنید ولی به شرط‌ها و شروطها که شرطش بصیرت در کار است. هر کاری از دستتان بر می‌آید، انجام دهید. بعضی کارها هست مثل اطلاع‌رسانی، اشکالی ندارد. بعضی کارها هست مثل پخش حرز، اشکال ندارد. یعنی جاهایی هست که جزو منطقه الفراغ است و خیلی حساسیتی رویش نیست. ولی بعضی جاها منطقه الفراغ نیست و روی آن حساسیت است. منطقه حرب است! در آن جا شما اگر بنویسید و حرف بنزید و تیتز بنزید و طرف عصبانی شود، مشکل ایجاد می‌شود.

سوال: گروهی برای ارزیابی کارها نیست؟

پاسخ: الآن آقای مختاری گروه دارند. خیلی از تبلیغاتی که شده است را رد کرده‌اند و نفرستاده‌اند. الحمدلله گروه خیلی خوبی دارند و کارهای خوبی می‌کنند. همین که شما در هر کاری گروه خیره دارید، خیلی خوب است.



نیکی است که زده‌اید و اتفاق افتاده است. مثل این که خدا منتظر است عده‌ای روی زمین فال خوب بزنند و او هم بریزد و بپاشد. در موقعیت‌هایی که عالم به دور خوب می‌افتد، قانون‌های خاصی وجود دارد که قانون‌های خیلی خوبی است. دنیا می‌رود به سمت داستان شازده کوچولو! می‌گفت من پادشاه عالم هستم. خورشید به اذن من طلوع می‌کند، به دعای من، به خواست من و به امر من طلوع می‌کند! نزدیک طلوع که می‌شد، می‌گفت خورشید طلوع کن و خورشید طلوع می‌کرد! می‌گفت خورشید به امر من غروب می‌کند و دم غروب می‌گفت که خورشید غروب کن و خورشید غروب می‌کرد! ولی او می‌دانست که کی باید امر کند! اول صبح که می‌گویند خورشید غروب کن! اول صبح می‌گویند خورشید طلوع کن! الآن دور دنیا دارد می‌رود به سمت شدن‌ها، باز شدن‌ها و فتح‌ها. چه کسی بخواهد باور کند، چه کسی نخواهد باور کند! ولی خیلی خوب است که آدم آرزوهای خوبی بکند.

ممکن است شما بگویید که نه آقا! اوضاع دارد روز به روز بدتر می‌شود! مثل اینکه شما در دنیا نیستید و خبرها را ندارید! اما به نظرم به نفع همه‌مان است که این کار را بکنیم و نتایج خوبی می‌بینیم. به ویژه این یک ماهی که به نام حضرت فاطمه علیها السلام است و کان شب قدر ماست. مطالبتان را بنویسید و سال بعد ببینید که چقدر از آن‌ها شده است. اگر چنین کارهایی به صورت جمعی اتفاق می‌افتد، مثلا صد نفر این کار را می‌کردند و بعد یک سال بعد می‌گفتند که چند درصد از آن چیزهایی که در امنیه‌شان بوده است، محقق شده است و درصد می‌گرفتند، جالب می‌شد.

پس این نکته اول بود که ان‌شاءالله شب قدر فاطمی‌مان را به این سبک برویم.

نکته دیگری که در بحث امنیه‌هاست این است که خیلی وقت‌ها با این کار، سمت و سوی برنامه‌های فرد هم مشخص می‌شود. یعنی معلوم می‌شود که باید از کدام سمت حرکت کند. چون به هر حال وقتی آدم یک سری آرزو می‌کند، یک نهیبی هم به خودش می‌زند که خودت چه نسبتی با آن آرزوها داری؟ یک موقعی شاید شد و در آدم تحولی هم اتفاق افتاد! جای دوری نمی‌رود و خیلی خوب است.

موضوع آرزوسازی خیلی کار بزرگی است. اگر یک ملتی این کار را بکنند، خیلی سریع به آرمان‌هایش میرسد. ما بلد نیستیم آرزوسازی کنیم. نقطه جهش هر پیشرفتی، آرزو درست کردن است. منتها رفتن به سمت آرزوهای امنیه‌ای، نه آرزوهای املی. حالا ممکن است یکی سوره حج یا سوره‌های دیگر خوانده باشد و بگوید آقا کجای کارید! انبیاء خیلی‌هایشان امنیه داشتند و شیطان در آن دمید! حتی امنیه‌های آن‌ها را هم شکست! شما به ما می‌گویید؟! من دارم می‌گویم وقتی دور دنیا به سمت ظهور است، این کار را که بکنید، حتماً به نتیجه می‌رسید.

نکته دوم اینکه الحمدلله همه دوستان استقرار پیدا کرده‌اند در نقطه تخصصی خاص خودشان. خیلی‌ها هستند که به سمت تخصصشان، تدبیرشان نیز مشخص شده است. کلاس‌ها منظم شده است. به برکت لطف هم‌کاری همه دوستان، خیلی کارهای خوب انجام شده است. بالاخص در مورد تدبیر. یک تصمیم دوستان مدرسه تدبیر و مدرسه سفیران قرآن گرفته‌اند که بیایند و هر دو فصلی را به سوره‌ای اختصاص بدهند (مثلاً از مهرماه تا اسفندماه و بعد از فروردین‌ماه تا شهریورماه) و تمام کارگاه‌ها و برنامه‌ها، حول آن سوره بچرخد. بعدش هم یک همایش از سوره گذاشته شود در

نکته اول اینکه مقام معظم رهبری، ایام شهادت حضرت فاطمه علیها السلام را بی‌شبهت به شب قدر نمی‌دانند و طبق نقلی که از ایشان شده است، می‌گویند کارهایی که برای سال بعدشان بنا هست انجام بشود رابر اساس ایام فاطمیه تنظیم می‌کنند. این خیلی نکته مهمی است که ما بتوانیم همین کار را بکنیم. با توجه به اینکه فاطمیه اول و دوم داریم (البته سه تا نقل برای فاطمیه هست که ما شیعیان دو تای آن را می‌گیریم و امروز مصادف با روایت ۷۵ روز بود)، همین که یک بازه زمانی تقریباً یک ماهه‌ای وجود دارد، این به ما مجال می‌دهد تا بتوانیم برنامه سالانه‌مان را بهتر ببندیم. ان‌شاءالله در این تتمه‌ای که برایتان هست، از امروز تا فاطمیه دوم، بلکه تا ولادت حضرت زهرا علیها السلام که ۲۰ جمادی‌الثانی است، در این فرصت که فرصت مغتنمی است، بشود ما هم همین کار را بکنیم.

یکی از چیزهایی که به نظرم لازم است در این ایام، بالاخص الآن انجام بشود، این است که مومنین و مومنات و کلا همه، آرزوهایشان را (آن چیزهایی که فکر می‌کنند خوب است تحقق پیدا کند، ولی ممکن است در اختیار ما نباشد)، ثبت کنند. آرزوهایی که فکر می‌کنید امکان تحقق دارد، به آنها می‌گویند تمنا یا مَنیّه. آرزوهایی که دور است و امکان تحقق ندارد، اسمش اَمَل است. آن آرزوهایی که امنیه، مَنّا یا تمناست، را در این ایام ثبت کنید.

دور دنیا به سمت روی خوش نشان دادن به انسان‌های مومن است. دور دنیا به سمت بد آوردن آدم‌های منفی است. وقتی دور دنیا می‌افتد به سمت ظهور خوبی‌ها، یعنی کارهای خوب ظاهر می‌شود و مرتباً هر چه دشمن کید می‌کند، شکست می‌خورد. هر چه تدبیر می‌کند، به هم می‌خورد. آرزوهایی که از جنس امنیه باشند، احتمال وقوعشان خیلی زیاد است. مثلاً از ۱۰ آرزویی که فرد کرده، هفت تای آن برآورده می‌شود. با آن‌هایی که اَمَل هستند، کاری نداریم، البته حتی بعضی از آن‌هایی که دور هستند، هم می‌شوند. یعنی از هر ۱۰ تا اَمَل هم، یکی-دو تایش می‌شود. بعداً مومنین و مومنات وقتی به عالم محشر رفتند، به آنها نشان می‌دهند که چقدر می‌توانستند دعا‌های خوب و آرزوهای خوب بکنند و برآورده می‌شده اما نکردند.

این آرزوها چند اثر دارند:

اثر اولش، اثر وضعی است که در جهان می‌گذارد. شما وقتی چیزی را آرزو می‌کنید، امکان وقوع آن را بالا می‌برید.

دومین اثرش این است که برای حال خود آدم خوب است. شروع می‌کنید و می‌بینید یکی یکی برآورده می‌شوند. موقعی که دور دنیا روی بدی است، اگر این کار را بکنید، خوب در نمی‌آید، چون می‌بینید که یکی یکی برآورده نمی‌شوند! در آن زمان، آدم باید ظرفیت داشته باشد و نوع آدم‌ها ظرفیت ندارند. نمی‌شود این را به عنوان یک توصیه عمومی گفت و باید فقط به کسانی گفت که ناراحت نمی‌شوند از اینکه از هر ۱۰ آرزویشان، دو تا هم برآورده نشود.

شاید این حرف من برایتان مسخره باشد، ولی حرف مسخره من را گوش بدهید. هیچ وجهت استدلالی ندارد این حرف و کاملاً ذوقی است. ولی خب آدم که نباید همیشه کارهای استدلالی بکند! بعضی وقت‌ها هم خوب است کارهای ذوقی بکند. چیزهایی که به امنیه و تمنای شما در می‌آید را به صورت ریز به ریز و تفصیلی احصاء کنید. اگر این کار را انجام بدهید، خرد خرد که نگاه می‌کنید، می‌بینید که چقدر همه چیز دارد خوب می‌شود و خیلی اتفاقات خوبی می‌افتد. خیلی‌هایش به خاطر همین فال

جاهای مختلف و خروجی‌ها در مورد آن سوره باشد. آن سوره هم متناسب با حال و روز موقعیت اجتماعی انتخاب شود. این تصمیم، تصمیم خیلی خوبی بود و الحمدلله اجرایی هم شد. از مهرماه تا الآن هم کارهای خیلی مفصلی راجع به سوره مبارکه محمد ﷺ شده است. ان شاء الله تا اسفندماه کارهای بهتری هم انجام می‌شود. وقتی شما تصمیم به کار خوبی می‌گیرید، خداوند عنایت می‌کند و تصمیم‌های بهتری هم به ذهن شما می‌رسد.

هم‌چنین تصمیم گرفته‌اند که یک دبیرخانه دائمی سوره‌های قرآن در مدرسه باز شود برای همین کار. خرد خرد اطلاعاتی که مربوط به سوره‌هاست، در قالب‌های جشنواره، همایش، نمایش با محصولات ادبی-هنری، علمی-پژوهشی و... در پایان آن نیم‌سال ارائه شود. مثلاً شما الآن که سوره محمد ﷺ را کار می‌کنید، فراخوان زده شود و هر کسی می‌تواند متن ادبی، کار هنری، پادکست، متن پژوهشی در مورد سوره بنویسد و برویم به سمت این که آن سوره به صورت خروجی به دیگران هم عرضه شود. قبلاً هم این کار در اراده مدرسه بوده است ولی به دلایل مختلفی اجرا نشده است. ما تقریباً از سال ۸۰ که کار روی سوره‌ها را شروع کردیم، هر سال این کار را می‌کردیم، ولی بعد دیگر رها شد و توفیقش از ما گرفته شد. الآن می‌خواهیم ان شاء الله این توفیق دوباره نصیبمان شود. خوبی طرح سوره‌محور به این است که هر بار روی یک سوره کل روش‌های تدبیر از جلد یک تا ۱۰ پیاده می‌شود. بنا داریم که ان شاء الله اگر بشود، به صورت یک سنت جاری، حداقل تا ۱۰ تا سوره، یعنی به مدت پنج سال، از مقدمات تدبیر تا کتاب روایی، روی چند سوره پیاده شود. الآن برای سوره محمد ﷺ تا تدبیر مکی پیش رفته‌ایم. افراد متن‌هایی که می‌توانند را بنویسند، یعنی ذخیره‌ای شود برای متن‌نویسی. این تصمیم خوبی است به نظرم. نشریه کاشف و پژوهش‌نامه ۱۶ آذر که دوستان زحمت کشیدند، هم نتیجه آن تلاش‌هاست. به هر حال خروجی خوبی است که می‌شود از آن استفاده کرد. این تصمیم اگر با مشارکت همه روبرو شود، می‌تواند ثمرات خوبی برای خارج از مدرسه داشته باشد. یعنی شما می‌توانید ثمرات تدبیرها را خیلی راحت در اختیار دیگران قرار بدهید. به ویژه اگر سوره‌ای که انتخاب می‌شود، سوره مورد نیاز جامعه باشد، خیلی از شبهه‌ها را به صورت طبیعی پاسخ می‌دهد و هر چقدر که ما بتوانیم تبلیغ کنیم، می‌تواند اثر داشته باشد.

ان شاء الله کسانی که می‌توانند به این دبیرخانه اضافه شوند. البته هنوز عضوگیری نکرده‌اند. به هر حال عده‌ای باید بیایند به سمت جشنواره هنری-ادبی، بعضی هم بیایند به سمت کارهای علمی-پژوهشی. فراخوان بدهند و افراد خارج از مدرسه را برانگیخته کنند که متن‌های سوره را بخوانند و بر اساس آن پژوهش انجام بدهند. بقیه جامعه را وارد این فضا کنند و نور قرآن را به این وسیله صادر کنند. تصمیم ما این است که در وهله اول این همایش‌ها به نام انبیاء باشند. یعنی سوره‌هایی که انتخاب می‌کنیم، سوره‌های انبیاء باشد. یک تیر و دو نشان! هر چند ممکن است شما بگویید که نیاز جامعه ممکن است چیز دیگری باشد. ولی سعی‌مان بر این است که حتی المقدر، این‌طور باشد. به نظر می‌رسد که دوره ظهور، دوره ظهور انبیاء است. انبیاء یک بار دیگر رجعت می‌کنند و مفهوم رجعت با انبیاء محقق می‌شود. به همین دلیل ان شاء الله فکر کنم که سوره بعدی را سوره مبارکه ابراهیم انتخاب کنیم و سوره‌های بعدی را به نام انبیاء، جلو برویم. وقتی اسم انبیاء مطرح می‌شود، نورانیت کار را مضاعف می‌کند و ان شاء الله کار را در فضای بین‌المللی می‌برد. ما قصدمان این است که ان شاء الله این کار تبدیل بشود به یک جریان بین‌المللی و مقدماتش هم فراهم شده است.

یک صحبتی هم با دارالقرآن انجام داده‌ایم که فضای این سوره‌ها بیاید در فضای کل کشور. ممکن است آن‌ها طرح را قبول کنند ولی سوره‌ها را قبول نکنند. ممکن هم هست که قبول کنند. ما اول بین‌المللی می‌شویم، بعد اگر کشور خواست، در کشور هم اجرا می‌کنیم! کلاً بنا به نظر رهبر، اول باید بین‌المللی شد، کارها را بین‌المللی کرد، بعد اگر دیدند و صلاح است می‌توانند در کشور هم اجرا کنند.

نکته سوم و پایانی هم این که یکی از نیازهای فوری و فوتی نیروهای انقلابی، داشتن روحیه‌های خوب و انقلابی و البته شاد و بانشاط است. یکی از مهم‌ترین وظایفی که ما الآن داریم این است که دچار دغدغه‌های خسته‌کننده، مایوس‌کننده، بیمارکننده و هم‌چنین حرف‌های خسته‌کننده، دغدغه‌آور و مایوس‌کننده نشویم.

ممکن است بگویید که مگر دست خود آدم است؟! بله یک حدی از آن دست خود آدم است که در کلاس‌هایتان، برنامه‌هایتان، جمع‌های دوستانه و... به شدت در روحیه دادن و بانشاط کردن فضا اقدام کنید.

ممکن است شما بگویید این‌ها همین‌طوری حاصل نمی‌شود! احتیاج است به اردو! یک مشهد ما را ببرید! ما غمگینیم، اگر ما را مشهد ببرید، خوشحال می‌شویم! جوابش این است که یک تعدادی بشوید و بروید مشهد. مشکلی نیست. قطار هست، امام رضا علیه السلام هم هست!

خیلی مهم است که نشاط جمع را به وسایل و سبب‌های مختلف حفظ کنید. هر چقدر که کارهای منسجم، منظم، قاعده‌مند در جمع بیشتر انجام شود، نشاط بیشتر است. هر چقدر که فکر، ایده و خلاقیت باشد، این‌ها کسل‌کننده و به‌هم‌ریزاننده است! از موضع ارائه فکر، ارائه خلاقیت و ارائه ایده در مجموعه، به موضع عمل و کار در بیایید. نه اینکه برای دیگران کار بتراشید! چون بعضی‌ها همین که وارد کار می‌شوند باید گفت یا قمر بنی‌هاشم! چند نفر باید زیر کاری که آن بنده خدا می‌خواهد بکند را بگیرند و گرفتار بشوند. به همین دلیل هم هست که من پیشنهاد اردو نمی‌دهم. چون وقتی می‌گوییم اردو، یعنی برای پنج نفر داریم کار تولید می‌کنیم.

اینکه آدم یک برنامه منظم داشته باشد و خودش مرتب کار کند، به دیگران هم اعلام کند، مهم است. کارهایی که می‌کنید را به دیگران اعلام کنید. تا آن جا که می‌شود با کارهای هم‌دیگر مخالفت نکنید. هم‌دیگر را در جریان کارهای هم قرار بدهید. دیگران حداقل برای کارهای بقیه دعا کنند. اگر هم می‌توانند کمک کنند. اگر هم نمی‌توانند صراحتاً بگویند که به این دلایل نمی‌توانیم هم‌کاری کنیم. افراد هم وقتی کار تعریف می‌کنند، عمدتاً روی خودشان برنامه بریزند. ممکن است شما بگویید که بعضی کارها حتماً باید جمعی صورت بگیرد، آن را اعلام کنید و اگر جمعش بود، انجام بدهید. دغدغه برای خودتان و دیگران درست نکنید. آن چیزی که بیشترین نیاز است برای ما، حال خوش و حال خوب داشتن است.

این حال خوش و حال خوب، طبق سوره محمد ﷺ در اثر دو چیز ایجاد می‌شود؛ ایمان و عمل صالح. دوگانه ایمان و عمل صالح یعنی باور به اینکه این کارها نتیجه‌بخش است. عملی که قاعده‌مند است و خدا می‌پذیرد و حکم پشت آن است، حتماً جواب می‌دهد و حال آدم را خوب می‌کند.

یک اتفاق خیلی بهتری هم می‌افتد و آن هم، این است که اگر واقعا زمان ما، زمان سوره محمد ﷺ باشد، طبق سوره محمد ﷺ خیلی از عرصه‌ها خالی می‌شود برای اینکه ما کار کنیم. عرصه‌هایی که شما قبلاً به زور می‌خواستید بگیرید و خودتان را می‌کشتید تا سهمی کوچک از آن را بگیرید، درست می‌افتد دست شما. منتها احتیاج به کار دارد. کار با فکر کردن و دغدغه داشتن خیلی فرق می‌کند. کار آن است که آدم کار می‌کند! کتاب می‌خواند، چیزی می‌نویسد. دغدغه آن است که آدم همین‌طوری زل می‌زند به جایی

و همین‌طور فکر می‌کند و بعد از مدتی هم چهره‌اش شبیه من می‌شود! از بس دغدغه داشته است، چشم‌ها در هم می‌رود! صدا افتاده می‌شود! راه رفتن یواش می‌شود! اینها خوب نیست. در موقعیت سوره محمد ﷺ اینها خوب نیست، بلکه عمل خوب است. فرد باید فعال باشد. ایجاد دغدغه کردن کاری ندارد! این که بگویند تو چرا این کار را می‌کنی؟ اینها ادبیات خوبی نیست. این که بگویند من نمی‌فهمم که شما چه کاری انجام می‌دهید، خدا خیرتان بدهد، ان‌شاءالله خدا توفیقاتتان را روز افزون کند! درست است که پشتش ظاهراً دعاست ولی دغدغه فرد را زیاد می‌کند.

من می‌دانم که نمی‌توانم با شما هم‌کار بشوم، ولی می‌توانم شما را تشویق و ترغیب کنم، زاویه‌ای برای شما باز کنم، نکته‌ای به شما بگویم. این‌طور که باشد، فرد احساس تأیید می‌کند.

شما ممکن است بگویید کارش اشتباه است! وقتی کار اشتباه است، نگوییم که اشتباه است؟! یک جور بگویید که وقتی خودتان کار اشتباهی می‌کنید، دلتان می‌خواهد به شما آن‌طور بگویند.

البته اگر من باشم، می‌گویم دم می‌خواهد صاف بزنند و داغون کنند! ولی خوب شما یک جور نرم بگویید. جوری بگویید که ایجاد دغدغه نکند. ایجاد عنصر اضافه نکند. این که فکر کند دست به هر چه می‌زند، نمی‌شود، نکند. احساس کند دست به هر چه می‌زند، می‌شود.

دوره، دوره این است که دست به هر چه می‌زنی، می‌شود. این را از من بشنوید. من از روی تجربه این را به شما می‌گویم. من اینها را خیلی تجربی دیده‌ام و بر اساس تجربه می‌گویم. ریش‌های من که سفید شده، این‌ها را رویت کرده‌ام! خیلی فضول بوده‌ام! می‌دیدم که چه چیزی می‌شود و چه چیزی نمی‌شود. برایم مهم بوده است. الآن دست به هر کاری که بزنید، می‌شود. یعنی اگر الآن یک نفر بگوید من می‌خواهم مس را طلا کنم، می‌شود، البته در راه خدا! نه در راه غیر خدا. یعنی بگوید من می‌دانم که اگر این مس طلا بشود، کلی هدایت ایجاد می‌کند، آن مس طلا می‌شود. به همین دلیل است که می‌گویم آرزوها را بکنید تا اتفاقات بیافتند. دنیا به سمت عجیبی می‌رود. شما تا حالا در عمرتان چنین چیزی را ندیده‌اید و نخواهید دید. این مربوط به دوره‌های خاصی از تاریخ است که منحصر در زمان است. مثل زمان فجر صادق و صبح. فضای الآن این‌طور است. چقدر سریع، یکهو اتفاقات می‌افتند. در این فضا تا بیایی و به یک نفر بگویی که این جوری نیست و این‌طوری نیست، فرصت تمام شده است! ان‌شاءالله این حرف‌هایی که ما می‌زنیم را به بهترین وجهی ببینید. دوره عمل است، سعی کنید ان‌شاءالله وارد عمل بشوید. هر کسی، هر کاری از دستش بر می‌آید، قاعده‌مند بکند. همین جوری انجام ندهد! به دیگران بگوید. الآن شما ۱۰۰ نفرید که این حرف‌های من را می‌شنوید، شما کارهایتان را به دیگران بگویید، هم‌افزایی ایجاد می‌شود. بعد از مدتی آدم می‌بیند فلانی دارد این کار را انجام می‌دهد، پس من هم اگر آن کار را که انجام می‌دادم، می‌شد با هم کارها را پیش ببریم. با این کار خیلی راحت تیم تشکیل می‌شود.

الآن بالاخص در مجموعه مدرسه، چون من از خیلی‌ها خبر دارم، همه مشغول یک کاری هستند و همه هم سرگرم کارهای خودشان هستند. هر کسی را که ببینید دارد یک کاری انجام می‌دهد و در کارش هم الحمدلله موفق است، هم قبول دارد و هم خودش تبدیل شده است به یک آدم خبره که بقیه هم قبولش دارند. ولی اطلاع‌رسانی وجود ندارد. ممکن است بعضی‌ها بگویند ما چطور اطلاع‌رسانی کنیم؟ در همین گروه‌هایی که داریم مثل فعالان، علمداری و... یا گروه‌هایی که دارید، می‌توانید کارهایی که می‌کنید را اعلام کنید و این‌طوری افراد را به کار تشویق کنید.

ان‌شاءالله که خداوند ایام سرور ما را ظهور حضرت حجت (عج) قرار بدهد. هر چه که جلوتر می‌رویم، حس ظهور دارد نزدیکتر می‌شود. آدم احساس می‌کند که مثل نسیم صبح که حس خاصی دارد، این جریان دارد به سمت ظهور حضرت حجت ﷺ می‌رود. به خدا قسم اگر این نبوده، یکی از این فتنه‌ها کافی بود برای به‌هم‌ریختگی همه ما و چقدر معجزه‌ها دارد در این ایام اتفاق می‌افتد. اگر کسی از نزدیک حوادث را بفهمد و بداند، می‌فهمد که دستی پشت اینها هست که هر کسی غیر خدایی باشد را بدجور پس می‌زند. روزگار بدی را برای آن‌ها نوشته است و برای این طرف روزگارهای خوب نوشته است الحمدلله. به تدریج بلاها از خانه‌ها می‌رود. به تدریج بیماری‌ها کم می‌شود. اینها را می‌توانیم کم‌کم ببینیم.

البته اینها حدس من است. ممکن است شما بعداً خلاف این را ببینید. ولی به هر حال من چیزی را که اعتقاد دارم، خدمت شما می‌گویم. ان‌شاءالله که خداوند این حُسن ظن ما را تبدیل به واقعیت کند و فقط در حد ظن نباشد و اتفاق بیافتد، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

سوال: در رابطه با رشد معنوی در این دوره بفرمایید.  
پاسخ: اگر کسی بتواند ایمانش را حفظ کند، رشد معنوی حتماً پیدا می‌کند. ولی خوب این، یک مقدار سخت است! اگر کسی ایمانش به خدا را حفظ کند، رشد معنوی خیلی ویژه‌ای می‌کند. ولی خوب حفظ ایمان، یعنی اعتمادش به خدا از دست نرود، بداند به سمت یک جریان مثبت دارد حرکت می‌کند، حرکت داشته باشد، بعد آن معنویتش به صورت چند پله‌ای شکوفا می‌شود. معنویتی که در این ایام به آدم‌ها داده می‌شود، در طول تاریخ منحصر به فرد است. از نظر زمانی، شبیه این است که می‌گویند نماز شب بخوانید. یعنی الآن بخشی از دوره‌ای است که به سمت طلوع دارد می‌رود. اگر کسی سحرخیز باشد، به او می‌گویند سحرخیز. اگر نماز شب بخواند، به او می‌گویند نماز شب خوان. اگر مومن باشد، آن مومنی است که در سوره ذاریات وصفش آمده است. خیلی قدرت می‌دهد. یعنی شما اگر الآن مومن باشید، ایمانتان مال همه شهدا، علما و کسانی است که این دوره را تجربه نکرده‌اند.

به همین دلیل بعضی وقت‌ها اضطراب‌های کشنده دارد. فراز و نشیب‌های این‌طوری دارد. این‌هایی که من می‌گویم به این معنا نیست که اضطراب ندارد، به این معنا نیست که مشکلات ندارد. هیچ کدام از اینها نیست. در ازای این صبر و استقامت، فرد باید چرتش نگیرد! مثل شب که بلند می‌شود برای نماز شب، چرتش نگیرد و حواسش پرت نشود. به هر حال یک سری آداب خاصی دارد.

انقدر که به شادی و نشاط لازم است بپردازید، لازم نیست به دعای خاص و نماز خاص بپردازید. این البته نظر من است. دعا و نماز خاص برای رفع بلا و مبارزه با دشمنان خوب است و لازم است.

ایمان داشته باشید و عمل صالح انجام بدهید. عمل صالح یعنی عملی که خدا بپذیرد و در مسیر جهاد در راه خدا باشد. خیر باشد و در مسیر ظهور اهداف اسلام باشد. جهادگونه باشد.

البته این‌ها را شما می‌دانستید، ولی یک دوره‌ای این‌ها خیلی قیمت پیدا می‌کند

سوال: در مورد فهم بهتر و عمیق‌تر از دعای خصله بفرمایید.  
پاسخ: من کلاً می‌گویم یا دعا را نباید خواند، یا باید خواند تا به استجاب قطعی رسید. مثلاً شما می‌گویید من فلان مشکل را دارم، می‌گویم فلان دعا را بخوان. می‌گویند تا کی؟ می‌گویم تا وقتی که حل بشود. شما این دعا را باید تا وقتی که خطر از کشور کامل قطع نشده، ادامه بدهید. برای عمیق‌تر شدن در فهمش روی خود مضامینی که دارد، بالاخص



سوره‌هایی که دارد (چون این دعا، پر از آیات سوره‌هاست)، روی آن‌ها تأمل کنید. تمرکز کنید روی سوره‌ها.

حوادث را برای مشکلاتی که دشمنان برای ما به وجود می‌آورند، تفصیلی کنید. یعنی کلی دعا نکنید. مثلاً اگر کسی خواست کوکتل مولوتف بیاندازد در مسجدی، در ماشین خودش آتش بگیرد تا به آن مسجد نرسد! کسی خواست یک نیروی انقلابی را به قتل برساند، قبل از آن، خودش یک جوری کشته شود! ببخشید که این‌طور می‌گوییم! ولی اگر دعای خصله را می‌خوانید، این‌طور باید دعا کنید.

سوال: دعا برای هدایت این افراد بهتر نیست؟

پاسخ: کسی که دارد کوکتل مولوتف می‌اندازد، دیگر قابل هدایت نیست! دعا می‌کنیم دستش بلرزد و بیافتد زیر پای خودش. شما اگر زورتان می‌رسد که این‌طور دعا کنید برای هدایتش، دعا کنید. مثلاً دعا کنید که قبل از روشن کردن ماشینش برای رفتن به سمت آتش زدن مسجد، بنشیند و فکر کند و توبه کند. اشکالی ندارد. ولی در حوزه هدایت انسان، شما نمی‌توانید دعا کنید، چون او اختیار دارد. شما نمی‌توانید دعا کنید که خدایا کسی را هدایت کن بلکه فقط می‌توانید دعا کنید که زمینه هدایتش فراهم شود. قبول هدایت، به اختیار فرد وابسته است.

به هر حال مبارزه کردن با دشمن سطحی از غلظت را می‌خواهد و نداشتن سطحی از غلظت، انسان را لخت می‌کند. یکی از دلایل لختی ما نسبت به عمل صالح، نداشتن غلظت نسبت به دشمن است. لختی یعنی وقتی که آدم کاری نمی‌کند.

به وسیله این دعاها خیلی فتنه‌ها رفع شده است. ان‌شاءالله که دعاها بتواند را زیاد کنید. دعای خصله را هم بخوانید تا موقعی که فتنه از عالم برطرف شود.

سوال: شما چند تا آرزو کنید.

پاسخ: بسم الله الرحمن الرحيم... ان‌شاءالله که خداوند ما را عامل و عالم به حقایق کند و اسم ۱۱۴ تا سوره را در ذهن ما ردیف بیاورد و عالم و عامل به هر ۱۱۴ تا سوره بکند، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

ان‌شاءالله نور چشم حضرت بقیه الله علیه السلام باشیم، به صورتی که ایشان بتواند مأموریت‌های بزرگ کار راه‌انداز را به ما واگذار کنند و اطمینان داشته باشند که حتماً انجام می‌شوند، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

آرزو می‌کنیم که بتوانیم مسائل اطرافمان را به جزء و به تفصیل ببینیم، نیازهای جامعه را به خوبی تشخیص بدهیم، برای هر کدام بتوانیم راه حل‌هایی را ارائه بدهیم و آدم‌هایی را برای آن کارها پیشنهاد بدهیم، برای محقق شدن آن‌ها کاری انجام بدهیم و برای هر کار خیری که انجام می‌شود دست زنده‌های داشته باشیم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

آرزو می‌کنم که در هر خانه‌ای، هر مشکلی که ما می‌توانیم برطرف کنیم و به دست ما قابلیت انجامش هست، مثل اینکه اگر سرطانی هست

دارویش را بسازیم، اگر گرفتار دارند ما دستگیری‌ای داشته باشیم و... خدا آن را به ذهن ما بیاندازد و توفیقش را هم به ما بدهد، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

خیلی‌ها هستند که بچه‌هایشان معتاد شده‌اند، خانواده‌هایشان از هم گسست پیدا کرده‌اند، نیاز به دستگیری دارند، آرزو می‌کنیم که بتوانیم از مردم دستگیری کنیم و به صورت جزئی مشکلاتشان را برطرف کنیم. اگر پول ندارند، برایشان پول جور کنیم، اگر خانه ندارند برایشان خانه جور کنیم، اگر محرومیتی دارند برایشان محرومیت را برطرف کنیم. جایی را نگذاریم که شکاف و حفره‌ای در جامعه اسلامی بماند. هر شکاف و حفره‌ای را بشناسیم و در آن‌جا حضور داشته باشیم و برایش راه حل داشته باشیم و بتوانیم اجرا کنیم، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

من یک آرزویی که دارم و همیشه داشته‌ام، این است که هیچ‌وقت نسبت به هیچ موضوع اجتماعی و هیچ آسیب اجتماعی بی‌تفاوت نشویم و برای آن همیشه راه حل داشته باشیم. حداقلش این است که برای آن دعا کنیم. نداشتن این عدم واکنش، جزو آرزوهای همیشگی من بوده است. اگر کسی کوچکترین گرفتاری دارد، حس ما، حس برطرف کردن آن گرفتاری باشد. یعنی احساس کند که می‌تواند و خدا اذن را به او داده است که آن را باز کند. نگوید که مگر چقدر می‌خواهیم و میتوانیم مشکلات مردم را حل کنیم! به وسعت ربوبیت خداوند، انسان دست‌گشا داشته باشد، به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

آرزوهای من به درد خودم می‌خورد! این‌ها را که می‌گوییم، جزئی هم می‌کنم. یعنی در ذهنم اگر می‌گویم مشکلات مردم، می‌گویم مشکلاتشان از فلان جنس. در ذهنم هم می‌آید که اگر این مشکل بخواهد حل شود، فلان کار، راه حلش است. اصلاً خوشم نمی‌آید که چیز کلی بگویم. نه اینکه بگویم کلی‌گویی اشکال دارد. آن هم یک سطح خوب بودن را دارد اما این که می‌گوییم مثلاً خدایا مریض‌ها را شفا بده، در ذهنمان تفصیلش هم بیاید. به همین دلیل به شدت تمایل دارم که حتماً مجموعه ما، دارو درست کند، برای سرطان کار کند، برای بیماری‌های خاص کار کند و مطمئنم تا یکی-دو سال دیگر برای همه این موارد، حتماً چیزی دارد. اطمینان قلبی دارم که این اتفاق می‌افتد. نمی‌دانم چه جوری، فقط می‌دانم که می‌شود. به شما هم توصیه می‌کنم همین کار را بکنید. تفصیلی بگویید و از خدا بخواهید، ان‌شاءالله اتفاق می‌افتد.

این هم بخشی از آرزوهای من بود.

ان‌شاءالله خدا توفیقاتتان را روز افزون کند. یک صلوات بفرستید.

۱. ﴿إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ (۱۵) ءَاخِذِينَ مَا ءَاتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَٰلِكَ مُحْسِنِينَ (۱۶) كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ (۱۷) وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَعْفِفُونَ (۱۸) وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ (۱۹)﴾

## هدف خائانه اغتشاشگران از بین بردن نقاط قوت کشور بود

این کسانی که آمدند وارد اغتشاشات شدند و این‌ها را راه‌انداختند، هدفشان برطرف کردن ضعف‌های کشور نبود؛ هدفشان از بین بردن نقطه‌های قوت کشور بود. این‌ها می‌خواستند نقاط قوت ما را از بین ببرند... و آلا بله، ما مشکل اقتصادی داریم، مشکل معیشتی مردم را داریم؛ شکی نیست؛ آیا مشکل اقتصادی با آتش زدن سطل آشغال حل میشود؟... خب، بلاشک این‌ها خیانت بود و دستگاه‌های مسئول هم با خیانت برخورد جدی و عادلانه میکنند، و باید هم بکنند.

بیانات رهبر انقلاب  
در دیدار مردم قم

۱۴۰۱/۱۰/۱۹

شب جمعه متعلق به آقا امام زمان علیه السلام است. در شب‌های جمعه، خواندن سوره اسراء و در روزهای جمعه، خواندن سوره كهف، یادآور حرکت بزرگ انقلاب حضرت مهدی علیه السلام است. ان‌شاءالله خداوند ما را با این انقلاب همراه کند. ما هفته پیش نکته‌ای را گفتیم راجع به دعا، گفتیم ایام فاطمیه مثل شب قدر می‌ماند. دوستان سعی کنند که دعاهای جزئی‌شان را در این مدت با آرزوهای بلندی که دارند، با آرزوهای محقق‌شدنی، اعلام کنند، بنویسند و از خدا بخواهند که به اجابت برساند و کم هم نخواهند.

البته خود بلند دعا کردن و چیزهای بزرگ خواستن، یک مقدار احتیاج به آموزش هم دارد. آدم وقتی پیش خودش می‌نشیند فکر می‌کند، خیلی وقت‌ها نمی‌تواند. باید در گفت و شنودها بگوییم که دعاهایی جزئی کنید تا آدم یاد بگیرد. اصلا دعا کردن خیلی احتیاج به یاد گرفتن دارد. مثلا وقتی به ما می‌گویند استغفار کنید، می‌گوییم استغفار می‌کنیم و دعا می‌کنیم که خداوند گناهان ما را ببخشد. ولی وقتی از امیرالمومنین علیه السلام خواسته می‌شود که استغفار کنند، چندین مدل استغفار می‌کنند که یکی از یکی عجیب‌تر است. یکی از این دعاها این‌طور است که هر جایی در قرآن، گناه یا استغفاری ذکر شده را می‌آورند و استغفار می‌کنند. آیه قرآن را می‌خوانند و می‌گویند خدایا تو در قرآن گفته‌ای این کار بد است و این کار را نکنید، خداوندا من پشیمانم و استغفار می‌کنم. تفصیل، این‌طور است. رفتند و کل قرآن را گشته‌اند و دیدند گناهانی که باید از آن استغفار کرد چیست و استغفار کردند.

بحث ما این بود که شما می‌خواهید چه کار بکنید؟ این هم احتیاج دارد به آموزش. یعنی ما بیاموزیم که چه کار بکنیم. من به ذهنم رسید که در همین جمع به اندازه پنج دقیقه بخواهم که اگر از شما پرسند برای دعا کردن چه اتفاقی بیافتد که هم تفصیلی و شدنی باشد و هم شکل آرزو داشته باشد، چطور دعا می‌کنید؟ چه می‌خواهید از خدا؟

حتما فکر کرده‌اید. مثلا اینکه ان‌شاءالله همه مدرسه‌های جمهوری اسلامی ایران به علاوه اغلب مدرسه‌های جهان، فهم قرآن در آن‌ها اجرا شود، به نحوی که در رفتارها، کردارها و باورهایشان هم اثر داشته باشد. این آرزویی است که شدنی هم هست. جمهوری اسلامی

به این فکر بیافتد که فهم قرآن را در کل کشور اجرایی کند. البته آرزوست ولی شدنی است. برای نسل توحیدی، دعا می‌کنیم که همه کشور ذیل پوشش این ساختار نسل توحیدی که بر اساس طهارت نسل و طیب شدن نسل، است قرار بگیرند، به نحوی که هم بیماری‌هایشان کم باشد و هم استعدادهایشان قوی شود و هم قرآنی شوند. این طرح و این کار در کل کشور و بخش‌هایی از دنیا تحقق پیدا کند. این هم دعایی است شدنی. اگر هم بنا باشد که بشود، معلوم است که چه کسی باید چه کاری بکند. بیمارستان می‌خواهد، افراد خاصی می‌خواهد. همه باید در ذهنم باید تا اتفاق بیافتند.

من برای همه مدرسه‌ها این‌طور دعا دارم. اینکه ادبیات قرآنی در متون داستانی، فیلم و...، بیاید، به نحوی که بتواند فیلم‌های سازنده‌ای برای کل دنیا بسازد و به شکلی که بتواند تحول را برای همه به ارمغان بیاورد.

بقیه دوستان هم بگویند. می‌خواهم یک نتیجه بگیرم. من غرضم از این حرف، نتیجه‌ای است که می‌خواهم بگیرم. یکی این که دعا باید شدنی باشد. یعنی این‌طور نباشد که نشود. ولی به هر حال شکل آرزو دارد. یعنی به طور معمول هم تحقق پیدا نمی‌کند. به این‌ها می‌گویند تمنا که باأمل متفاوت است.

چند تا هم شما بگویید. آقای رجبعلی: خدا ما را جزو اراده‌های امام زمان علیه السلام قرار بدهد.

استاد: خیلی سخت است! من جوابش را از امام زمان علیه السلام بگیرم یا از خودتان؟

منظورشان این است که انقدر به درد بخور باشیم که بشود روی ما حساب کنند و به ما مسئولیت بدهند. این آرزوست؟ چطور می‌شود؟

آقای رجبعلی: امام زمان علیه السلام باید بخواهند تا بشود. ما می‌خواهیم تا ایشان بخواهند.

استاد: باید برای این آرزو راه داشته باشید. یعنی باید بگویید من اگر این کار را بکنم، این می‌شود. وگرنهأمل می‌شود.

آقای رجبعلی: ما باید سمت اراده کردن برویم تا بتوانیم در راستای اراده خدا و اراده ولی خدا قرار بگیریم.

استاد: پس شما فعلا دارید روی اراده کار می‌کنید. فکر هم می‌کنید که فهم اراده برای شما میسر است و امکان‌پذیر می‌شود.

آقای رجبعلی: منظور این است که کلا کارهایی که ما ممکن است بکنیم، آن‌چنان که توقع

داریم قدرت، اثر و ضرب ندارد. به این واسطه ان‌شاءالله اولاً آن کارها، کارهای درست و به جایی باشند، ثانياً اثرشان موثر باشد.

استاد: احسنت. ایشان مثل مادری می‌ماند که هر چه غذا پخته است، بچه‌هایش نخورده‌اند! دارد دعا می‌کند که خدایا، طعمی به این غذای من بده تا بچه‌ها بخورند. بعدش هم می‌گوید انقدر خوشمزه باشد که به در و همسایه هم بدهیم! بعد انقدر خوشمزه شود که موکب هم بزنم و موکب‌ها هم زیاد شود! دعای خوبی است. می‌خواهد طعم‌دار و اثر‌دار شود. ولی باید برای اثر‌دار شدن مسیری باشد که شما الحمدلله دارید.

یکی از حضار: دعا می‌کنم ان‌شاءالله سایتی درست شود که بشود آنلاین و آفلاین به تمام زبان‌های زنده دنیا تدبیر آموزش داد.

استاد: به به. البته این هنوز به شکل آرزوست. باید یک مقدار راه‌های رسیدن به آن، در ذهن‌تان بیاید تا بشود تمنا. مثلا بگویید یک جوری مخ جامعة المصطفی را می‌زنید! چون قفلش به دست آن‌هاست. آن‌ها همه زبان‌ها را دارند. کافی است فقط قرآن برود در سیستم جامعة المصطفی، بعد همه دنیا در ساختارشان قرآن می‌رود. بعضی جاها مثل جامعة المصطفی هستند که اگر روی آن بشود سرمایه‌گذاری کرد، ریل‌گذاری برای همه دنیا دارند. باید مسیرش را پیدا کنید.

به هر حال خیلی مهم است که آرزویی که می‌کنید، جوری باشد که مسیرش وجود داشته باشد و فقط در حد خواستن نباشد وگرنه تأثیری ندارد.

آدم وقتی دعا را می‌کند و راهش را در ذهنش می‌آورد، خود به خود مسیرها برایش باز می‌شود. اگر دعا درست گفته شود، مسیرها برایش باز می‌شود. مثل مثالی که در مورد جامعة المصطفی زدیم. مثل آن که وقتی می‌خواهیم زیرساخت نسل توحیدی را در کل کشور فراهم کنیم تا همه ببینند، باید در ذهن باشد که یک سری نهاد در کشور وجود دارند که کارشان این است و می‌شود مخ آن‌ها را زد و در سریع‌ترین زمان همه این اتفاق‌ها می‌افتد.

این خیلی مهم است که راهکار آرزو در ذهن فرد باشد.

اغلب دوستانی که در مدرسه‌ها هستند، تمایل دارند که قرآن از زاویه آن مدرسه در کل دنیا مطرح شود. اگر واقعا این‌طوری هست، که

هست، اینها باید روی زیرساخت‌هایش هم کار کنند. یعنی بدانند که اگر بنا باشد چنین اتفاقی بیافتد، شما حتما باید ساختارهای مجازی‌تان فعال باشد، شما حتما باید زبان‌های مختلف را در ساختار‌تان داشته باشید. شما حتما باید برای هر شهرستانی، نیرو داشته باشید. این‌ها باید در ذهنشان باشد. چون یک مرتبه می‌بینید یک نفر از راه می‌رسد و می‌گوید من به فلان زبان مسلط هستم. شما باید از قبل فکر کرده باشید و بلافاصله به او کار بدهید. خیلی از افراد به این صورت در مجموعه ما آمدند و به دلیل اینکه آن ساختار نبود، یا آن دعا نبود، رفتند. طرف چند زبان را بلد بود. یا مثلا گروهی آمدند برای ترجمه کتابها، گفتند ما به صورت گروه ۱۰ نفره هستیم و همه این کتاب‌ها را به صورت مسلسل‌وار به زبان انگلیسی ترجمه می‌کنیم، ولی وقتی جزو دعا‌های آدم نباشد، این اتفاق می‌افتد. پس در این راستا خیلی مهم است که دوستان روی ساختارهای مجازی خیلی خوب کار کنند. چون وقتی شما می‌گویید هزار نفر، دو هزار نفر، یک میلیون نفر، صد میلیون نفر و... حتما باید ساختار مجازی داشته باشید. برای هزار نفر می‌شود مربی فرستاد، ولی وقتی عدد شد صد هزار نفر، حتما باید یک سامانه LMS داشته باشید. با این که ساختار LMS ما الحمدلله خیلی پیشرفت کرده است، هنوز خیلی از مدارس ساختارشان به این سمت نرفته است. ان‌شاءالله این دعا مستجاب شود و افراد این موضوعات را جدی بگیرند.

نکته دوم اینکه الحمدلله مدارس تخصصی سر و شکل گرفته‌اند، فقط به نظرم یک چیزی در مدارس خیلی کم است. اولاً هر کسی می‌آید در مجموعه، به نظر می‌رسد یک سردرگمی پیدا می‌کند به خاطر تنوع کلاس‌ها و برنامه‌ها. البته

خیلی سعی شد که این سردرگمی ایجاد نشود. حتی فرد وقتی وارد مدرسه‌ای می‌شود، خیلی سردرگم می‌شود که من حالا چه کار باید بکنم. خیلی چیزها در ذهن آدم‌هاست و مکتوب نشده است.

هر مدرسه‌ای، یک برنامه که می‌تواند به یک آدم معمولی بدهد (اسمش را می‌گذارند فلوچارت، بروشور یا... نمی‌دانم! اسمش را هر چه می‌خواهید بگذارید!)، درست کند و به دست افراد بدهد تا فرد بداند که این کلاس‌ها برای او هست. فلان دوره هدفش فلان است، انقدر طول می‌کشد و خروجی‌هایش هم این‌هاست. اگر نخواست این دوره را شرکت کند، می‌تواند در دوره دیگری شرکت کند که خروجی آن هم معلوم است. مثل اینکه می‌گوید شما در هفته چقدر زمان دارید، می‌گویید فلان قدر، می‌گوید پس برو فلان جا. اگر فلان چیز را می‌خواهی، برو بهمان جا!

این باید توسط مدرسه‌ها تهیه شود و ان‌شاءالله این کار را انجام بدهید. به ویژه برای دور جدید ثبت نام. الآن بعد از چهار ماه، دوباره ثبت نام جدید داریم. حتما مدارس برای جذبشان، به افراد، اطلاعات دقیق بدهند. خیلی خوب است که مجموعه‌ای انقدر نظم داشته باشد که بتواند این‌طور دقیق دوره‌هایش را معرفی کند. بگوید مثلا این دوره، کوتاه‌مدت است با این خصوصیات. این دوره بلندمدت‌تر است و این خصوصیات را دارد. دوره یک ساله داریم، دوره سه ساله، دوره شش ساله داریم، دوره ۱۰ ساله داریم و هر کدام با خصوصیات خاص خودشان. لزومی ندارد دوره‌هایتان را دوره‌های طولانی‌مدت بگیرید. دوره‌های کوتاه‌مدت را هم اعلام کنید. همان دوره‌هایی که دارید را هم می‌توانید، بخش‌هایی از آن را کوتاه‌مدت بکنید.

مثلا بکنید شش ماهه. ممکن است بعضی‌ها فقط شش ماه میهمان شما باشند. ولی باید هدف‌گذاری کنید.

برای این کار، اگر ضرب‌الاجلی هم مشخص کنید، بد نیست. مثلا بگویید تا آخر آذرماه. چون شما باید هر چهار ماه یک بار، ثبت نام داشته باشید. ان‌شاءالله اگر این کار را بکنید، ممنون می‌شوم. یعنی هر مدرسه‌ای دقیقا دوره‌هایش را مشخص کند و معلوم کند که این دوره برای این آدم‌ها با این مقاصد است.

سوال: چرا ابهام وجود دارد؟

پاسخ: ابهام ندارند، اعلام نشده است. چیزی دست کسی نیست. شما اگر پایین بروید، هیچ نوشته‌ای، بروشوری، اطلاعیه‌ای، هیچی نیست.

سوال: در سایت هم نیست؟

پاسخ: در سایت هست ولی حتی در سایت هم این‌طور که من می‌گویم، نیست. هدف‌گذاری شده نیست.

خیلی‌ها می‌گویند برای ما واضح است. می‌گویند ما دوره‌های کارگاهی و فلان را داریم. بله ولی این‌ها در ذهنشان است و مکتوب نیست. یک جا باید این‌ها را مکتوب کنید. می‌شود این‌ها را در پایین هم نصب کرد. افراد همین که می‌آیند و سردرگم می‌شوند، خوب نیست. بعضی از مراجعه‌کنندگان ما هستند که یک جلسه یا یک کلاس را می‌آیند و دیگر می‌روند و نمی‌آیند. افراد باید بدانند که طول دوره‌ها چقدر است و چه خروجی‌ای دارند.

برای سلامتی خودتان، امام زمان عجل الله فرجه و تمامی خدمت‌گزاران دین یک صلوات ختم بفرمایید.

۱. Learning Management System.

## هدفهای بزرگ محتاج کارهای تحوّل است

هدفهای بزرگ محتاج کارهای بزرگ است. باید کارهای بزرگ انجام بگیرد، باید کارهای تحوّل انجام بگیرد... خود انقلاب بزرگ‌ترین تحوّل بود... بعد از این هم، چه در زمینه اقتصاد، چه در زمینه فرهنگ، چه در زمینه امنیت، چه در زمینه علم، چه در زمینه‌های گوناگون، کارهای تحوّل و بزرگ لازم است. به نظر من این کار ممکن است: آدمش را داریم، مسئولینش را داریم، کشور بحمدالله جوانهای خوبی دارد.

بیانات رهبر انقلاب  
در دیدار مردم قم  
۱۴۰۱/۱۰/۱۹





## با احساس تکلیف، خطرپذیری و حرکت بهنگام، پیشرفت قطعی است

نباید غفلت کنیم از وظیفه‌ای که عقل و شرع به عهده‌ی ما گذاشته... مشکل آن وقتی به وجود می‌آید که ما در این وظایف اختلال ایجاد میکنیم؛ به سرعت احساس تکلیف نمیکنیم، بهنگام وارد نمیشویم، خطرا به جان نمیخریم، ملاحظه میکنیم؛ این طوری است. اگر چنانچه این شرایط را رعایت بکنیم، پیشرفت قطعی است؛ یعنی تردید نکنید. نمونه‌اش سالهای دفاع مقدس است.

بیانات رهبرانقلاب  
در دیدار مردم قم

۱۴۰۱/۱۰/۱۹